

تطبیق تشبیه ابیات حکمی بوستان و سروده‌های متنبی

محمد بهنام‌فر* - مجید خسروی**

چکیده

تشبیه، یکی از بارزترین و بنیادی‌ترین شیوه‌های بیانی است که نقش عمده‌ای در خیال‌انگیزی و تأثیر کلام شاعران داشته است. در این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی و تطبیقی، تشبیهات موجود در ابیات حکمی بوستان و سروده‌های حکمی متنبی از وجوه مختلف: طرفین تشبیه، حسّی و عقلی بودن، مفرد و مرکب بودن، وجه‌شبه و... بررسی گردیده و تحلیلی آماری از آن‌ها ارائه شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که هر چند سعدی و متنبی از انواع تشبیه از جمله: مفرد، مرکب، مطلق، مضمّر، بلیغ، مؤکّد و... بهره گرفته‌اند اما در کاربرد تشبیه به لحاظ آماری با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. از دیگر نتایج تحقیق این است که تشبیهات سعدی، در بیشتر موارد، مفرد، بلیغ، واضح و بدون تعقید است اما گرایش متنبی به تشبیهات ضمنی، مقید یا مرکب، معقّد و غیر صریح بیشتر است.

واژه‌های کلیدی

بوستان سعدی، سروده‌های حکمی متنبی، تشبیه، بلاغت تطبیقی، ادبیات تعلیمی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند M.khosravi1366@yahoo.com

مقدمه

شیخ اجل سعدی شیراز، نامی است که نه تنها در ایران بلکه در میان ادبای ملت‌های جهان، همواره آشنا و نامی بوده است. اثر گرانقدر این شاعر، *سعدی‌نامه یا بوستان* از امتهات کتب فارسی است که فضلا و ادبا هر ملت، همواره به آن نظر داشته و از آن استفاده‌ها برده‌اند: «بوستان آمیزه‌ای است از عرفان و حکمت و اخلاق و دستورهای زندگانی با عباراتی بس شیوا و رسا. نظم‌ی است به محکمی ضابطه‌های علمی و حقوقی و به روانی نثر و روشنی گفتگوهای روزمره مردم.» (خزائلی، ۱۳۶۲: ۹) سعدی‌شناسان و دوستداران او، همواره بوستان را در جایگاه یک کتاب اخلاقی و آموزشی نگریسته و آن را «جایگاه مطلوب سعدی» (مقدمه بوستان، ۱۳۸۴: ۱۷) دانسته‌اند؛ به عبارتی، چیرگی معنی در بوستان، توجه بسیاری از خوانندگان آثار سعدی را از دقت در زیبایی‌های هنری این اثر بازداشته است. گفتنی است که در زمینه بررسی تشبیه در ابیات حکمی بوستان، تاکنون پژوهش مستقلی انجام نگرفته است.

متن‌بندی نیز شاعری حکیم است. کمتر شاعری بویژه در عصر عباسی قرن چهارم، در زمینه اشعار حکمی به پایه او می‌رسد. بخش عظیمی از اشعار متن‌بندی یا جنبه حکمی و تمثیلی محض دارند و یا شبه حکمی. به همین دلیل گفته‌اند: «حکمت در شعر متن‌بندی فراوان و در سراسر قصاید او پراکنده شده است.» (فروخ، ۱۹۶۸: ۴۷۶)؛ چنانکه: «می‌توان آن را گاه در یک قطعه و گاه در یک بیت و گاه نیز در مصرع‌ی مشاهده و لمس کرد.» (الفاخوری، ۱۹۸۶: ۸۱۴) ناقدان ادب عربی، در طول بیش از یک هزار سال درباره متن‌بندی و ابعاد متعدّد و چند لایه شخصیت ادبی، سیاسی، اعتقادی، اخلاقی و حتی روحی و روانی وی، مطالب و کتاب‌های ارزشمند و درخور تقدیری گفته و نوشته‌اند و بدین وسیله پرده از روی جوانب مختلف و زوایای پنهان بسیاری از اسرار نبوغ ادبی و هنری وی برگرفته‌اند اما درباره تشبیه و به طور کلی تصاویر فنی شعر او در عرصه آفرینش و خلاقیت هنری و ادبی، فقط یک تحقیق تحت عنوان «صور خیال در شعر متن‌بندی» انجام گرفته است که آقای علی اکبر محسنی نگارنده پایان‌نامه مذکور، صورخیال را در تمام اشعار متن‌بندی اعم از (مرثیه، حماسه، حکمت، مدح، هجو، فخر و...) بررسی کرده‌اند. بخش آخر این رساله ارزشمند، مربوط به سروده‌های حکمی متن‌بندی است که به دلیل حجم زیاد کار، به طور خیلی مختصر و فقط در حد اشاره، صورخیال را بررسی کرده‌اند و در این میان سهم تشبیه، بیش از چند سطر نیست؛ اما

پژوهشی با این شیوه که بر اساس مقایسه، تحلیل و تطبیق عنصر تشبیه در ابیات حکمی بوستان و سروده‌های حکمی متنبی انجام شده و با جدول و ذکر درصد، نتایج آن نشان داده شده باشد، پیشینه و سابقه‌ای ندارد و در نوع خود تازه و بکر است.

با تطبیق نکات بلاغی در آثار ادبی فارسی و عربی می‌توان به شناخت رموز سخن و زیبایی ادبی کلام ملل مختلف پی برد و از دقایق و لطایف اشعار شاعران و متون برجسته ادبی بیشتر استفاده کرد. به طور کلی «هرگاه در بوته نقد و بررسی تطبیقی به کلام دیگران نگاه شود، موارد ضعف و قوت آثار نویسندگان مشخص می‌شود و بهترین شیوه انتخاب می‌شود تا کلام رساتر و شیواتر شود.» (اسفندیارپور، ۱۳۸۸: ۶۸) همچنین باید اذعان کرد که: «محوری‌ترین و مهم‌ترین معیار برای شناخت میزان خلّاقیت و نوآوری شاعرانی حکیم، همچون متنبی و سعدی که بن‌مایه اصلی شعرشان مضامین حکمی است، شناخت و تحلیل بیانی تصاویر شاعرانه و هنری اشعار آن‌هاست؛ در غیر این صورت نمی‌توان منزلت واقعی و جایگاه حقیقی و نیز مقدار تاثیری را که آنها از اسلاف خود پذیرفته‌اند و یا اثری که در اخلاف خود بر جای نهاده‌اند، بازشناخت و باز نمود.» (محسنی، ۱۳۷۹: ۱) و از آنجا که سعدی در سرودن این اثر ارزشمند، تا حدودی متأثر از متنبی بوده و هم‌چنین عنصر تشبیه، نقشی مهم و اساسی در بیان مضامین حکمی آن‌ها داشته است، نگارندگان را بر آن داشت تا با بررسی و تحلیل تشبیه در ابیات حکمی بوستان و سروده‌های حکمی متنبی به شیوه توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، زیبایی‌های شعری این دو شاعر را در زمینه کاربرد تشبیه، نمایان سازند و همچنین همانندی‌ها و تفاوت‌هایشان را در به‌کارگیری این عنصر خیال، مشخص نمایند.

قبل از ورود به بحث اصلی، یادآوری دو نکته ضروری به نظر می‌رسد: ۱. بوستان سعدی و دیوان متنبی در حجم ابیات حکمی با هم تفاوت زیادی دارند؛ با این توضیح که از ۵۵۷۸ بیت دیوان متنبی، تنها ۳۵۰ بیت آن، مضمون حکمی دارد (کمتر از ۱۰ درصد) که از میان این ۳۵۰ بیت حکمی، ۱۱۲ عنصر خیال استخراج گردید که سهم تشبیه ۴۳ مورد (۳۸ درصد) می‌باشد اما حجم ابیات حکمی در بوستان سعدی که مشتمل بر ۴۰۱۱ بیت می‌باشد، خیلی بیشتر از آن چیزی است که در دیوان متنبی مشاهده می‌کنیم؛ به عبارتی: «خواننده در بوستان سعدی چیزی غیر از حکمت و پند و اندرز مشاهده نمی‌کند و بیشتر سعدی‌پژوهان و محققان نیز در این زمینه اتفاق نظر دارند که موضوع حکمت و پند و اندرز بر تمام بوستان حاکم است؛ بنابراین ما نباید در بوستان به دنبال

چیزی غیر از مضامین حکمی باشیم.» (عسکری، ۱۳۸۷: ۲۸۶) نگارندگان نیز در طی بررسی‌ای که در بوستان انجام داده، به همین نتیجه دست یافته‌اند. از مجموع ابیات حکمی بوستان، ۳۱۱ عنصر خیال استخراج گردید که سهم تشبیه ۹۷ مورد (۳۱ درصد) می‌باشد. با توجه به این موضوع، سعدی و متنبی در زمینه حجم مضامین حکمی به هیچ وجه با هم قابل قیاس نیستند؛ لذا ما ابتدا تشبیه در ابیات حکمی هر شاعر را جداگانه بررسی کردیم و آمار را به صورت درصد درآوردیم و در نهایت درصدها را با هم مقایسه کردیم تا این فاصله زیاد آماری در حجم ابیات حکمی، باعث سنجش و قضاوت بی‌مبنا و نادرست نگردد. ۲. لازم به ذکر است که این پژوهش کاملاً جنبه علمی دارد، یعنی تمام تشبیهات موجود در ابیات حکمی بوستان و سروده‌های حکمی متنبی، مورد بررسی واقع شده است؛ اما به دلیل محدودیت مقاله، فقط تشبیهاتی ذکر و بررسی گردیده که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند ولی آمارها و درصدها شامل تمام تشبیهات است.

تشبیه، ابزار خیال‌انگیزی

خیال، روح و جانمایه هر پدیده ادبی، بویژه شعر است و اصولاً هر پدیده ادبی، ارتباط تنگاتنگ با خیال و تصاویر شاعرانه دارد؛ به همین دلیل بحث از عنصر خیال در شعر، بحث از گوهر و ذات شعر است؛ در حقیقت: «اگر از هر شعر مؤثر و دل‌انگیزی، جنبه خیالی آن را بگیریم، جز سخنی ساده و عادی که از زبان همه‌کس قابل شنیدن هست، چیزی باقی نمی‌ماند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۵)

تشبیه به عنوان یکی از فنون و ابزارهای بیانی، پایه شکل‌گیری بسیاری از اشعار است. در میان مباحث علم بیان، تشبیه، برجستگی ویژه‌ای دارد؛ زیرا اساس شکل‌گیری استعاره نیز تشبیه است. شاعر از طریق این فن با طبیعت و ماورای آن ارتباط برقرار می‌کند و ساختار ذهنی خود را با آن‌ها شکل می‌دهد. «شکل ذهنی شعر حاکی از تمرکز کامل همه نیروی خلاقه شاعر در لحظه آفرینش شعر است.» (براهنی، ۱۳۸۰: ۷۵/۱) تشبیه در ساخت صورخیال نقش بسزایی دارد. «تشبیه هسته اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است. صورت‌های گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه، مایه‌گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیاء کشف می‌کند.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴) و خلاصه اینکه: «تشبیه بهترین ابزار برای بیان محاکات و تقلید از طبیعت و حقیقت‌نمایی است.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۸۹) با این توضیح مختصر وارد بحث اصلی می‌شویم و

برجسته‌ترین تشبیهاتی که باعث زیبایی شعر و انتقال بهتر مضامین حکمی سعدی و متنبی شده است را بررسی می‌کنیم تا وجوه اختلاف و اشتراک این دو شاعر در زمینه کاربرد تشبیه، آشکار گردد و همچنین بتوانیم با این بررسی و تحلیل، به دیدگاهی جامع درباره نوع و دسته‌بندی تشبیهات آن‌ها دست پیدا کنیم.

بررسی تطبیقی تشبیه در ابیات حکمی بوستان و سروده‌های حکمی متنبی

سعدی و متنبی، همانند هر شاعر برجسته دیگری نه تنها در اشعار حکمیشان، بلکه در دیگر اشعار خود نیز در بهره‌گیری از تشبیه، این عنصر مهم در خیال‌پردازی شاعرانه، هنرمندی خویش را به نمایش گذاشته‌اند. از میان تشبیهات سعدی به لحاظ آماری، غلبه با تشبیه مؤکد و مجمل (هر کدام ۹۲ درصد) است اما به لحاظ ارزش ادبی و زیبایی‌شناسی، تشبیه عقلی به حسی (که سعدی معمولاً آن‌ها را به صورت بلیغ اضافی می‌آورد)، در صدر تشبیهات او قرار دارد. از میان تشبیهات متنبی به لحاظ آماری، غلبه با تشبیه مجمل (۸۶ درصد) است اما اگر بخواهیم با دیدی منتقدانه و به لحاظ زیبایی و ارزش هنری قضاوت کنیم، باید گفت که بهترین تشبیهات ضمنی و همچنین تشبیه تمثیل را می‌توان در سروده‌های حکمی متنبی مشاهده کرد که در جای خود با ذکر نمونه، این مدعا را به اثبات خواهیم رساند. اینک با ذکر این مقدمه، به بررسی و تحلیل مهم‌ترین تشبیهات موجود در ابیات حکمی بوستان و سروده‌های حکمی متنبی می‌پردازیم.

تشبیه به اعتبار عقلی و حسی بودن طرفین

در تقسیم‌بندی تشبیه از جهت عقلی یا حسی بودن طرفین، در ابیات حکمی بوستان، تشبیه "معقول به محسوس" بیشترین کاربرد را دارند. پس از بررسی تشبیه به لحاظ عقلی یا حسی بودن طرفین در ابیات حکمی بوستان، معلوم گردید که ۷۴ مورد (۷۶ درصد) تشبیه "معقول به محسوس" و ۱۹ مورد (۲۰ درصد) تشبیه "محسوس به محسوس" است. تشبیهات "معقول به معقول" و "محسوس به معقول" هر کدام در ۲ مورد (هر کدام ۲ درصد) به کار رفته است. تشبیهات "خیالی" و "وهمی" در ابیات حکمی بوستان به کار نرفته است. از بررسی تشبیهات در ابیات حکمی بوستان، اینگونه برمی‌آید که سعدی، تشبیه به اعتبار عقلی یا حسی بودن طرفین را به این ترتیب به کار برده است:

۱. تشبیه معقول به محسوس ۲. تشبیه محسوس به محسوس ۳. تشبیه معقول به معقول ۴. تشبیه محسوس به معقول.

تشبیه "معقول به محسوس" در سروده‌های حکمی متنّبی نیز بیشترین کاربرد را دارد اما به لحاظ آماری، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؛ به این ترتیب که متنّبی ۲۲ مورد (۵۱ درصد) تشبیه "معقول به محسوس"، ۱۴ مورد (۳۳ درصد) تشبیه "معقول به معقول"، ۶ مورد (۱۴ درصد) تشبیه "محسوس به محسوس" و ۱ مورد (۲ درصد) تشبیه "محسوس به معقول" را به کار برده است. متنّبی نیز مانند سعدی، تشبیهات "خیالی" و "وهمی" را به کار نگرفته است. بنابراین، متنّبی تشبیه به اعتبار حسّی یا عقلی بودن طرفین را به این ترتیب به کار گرفته است: ۱. تشبیه معقول به محسوس ۲. تشبیه معقول به معقول ۳. تشبیه محسوس به محسوس ۴. تشبیه محسوس به معقول.

تشبیه معقول به محسوس

همان‌طور که گفته شد سعدی و متنّبی در این تقسیم‌بندی، تشبیه معقول به محسوس را بیشتر به کار گرفته‌اند. این کوشش سعدی و متنّبی برای عینی کردن ذهنیات، نشانگر هنرمندی آن‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، آن‌ها به خوبی دریافته‌اند که فضایی مانند: تواضع، احسان، رضا، قناعت، خاموشی و... و رذایلی همچون: حرص و طمع، حسد، کینه، ظلم و... (که اموری عقلی و ذهنی هستند) را تنها با تشبیه کردن به امور محسوس و عینی، می‌توانند طوری بیان کنند که بیشترین تأثیر را در مخاطب داشته باشد و یا به تعبیری، به نحو احسن، امر به معروف و نهی از منکر کنند. اکنون چند نمونه از این تشبیهات را در ذیل بررسی می‌کنیم:

گر اندیشه باشد ز خصمت گزند به تعویذ احسان زبانش بیند

(سعدی، ۱۳۸۴: ۷۳)

در بیت بالا، "احسان" به عنوان یک پدیده ذهنی و معقول به "تعویذ" که امری محسوس است، تشبیه شده است. شاعر در این بیت، با استفاده از مشبّه به زیبایی که می‌آورد، به خوبی اهمیت و ارزش احسان را نشان می‌دهد.

چو رد می‌نگردد خدنگ قضا سپر نیست مر بنده را جز رضا

(همان: ۱۴۱)

در بیت بالا نیز "رضا" که مشبّه معقول است به "سپر" که مشبّه به محسوس است، تشبیه شده است.

و از همین قبیل است ابیات: ۲۴۴، ۳۷۳، ۵۴۷، ۷۳۳، ۸۳۳، ۱۰۸۴، ۱۱۷۹، ۱۷۴۰، ۱۸۶۰، ۲۱۷۳، ۳۸۰۸ و...

متنبی نیز در این زمینه، هنرمندی خود را نشان می‌دهد که در ذیل به چند نمونه از این تشبیه اشاره می‌کنیم:

صَنَى فِي الْهَوَى كَالسَّمِّ فِي الشَّهْدِ كَامِنًا لَذَذْتُ بِهِ جَهْلًا وَ فِي اللَّذَّةِ الْخَثْفُ
(متنبی، ۲۰۰۷: ۴۸۹/۱)

در این بیت، مشبّه معقول "ضعف و ناتوانی در عشق" است که به مشبّه به محسوس "سم در عسل" تشبیه شده است.

وَ مَا الْمَوْتُ إِلَّا سَارِقٌ دَقَّ شَخْصُهُ يَصُولُ بِلَا كَفٍّ وَ يَسْعَى بِلَا رَجُلٍ
(همان: ۹۲/۲)

متنبی در این بیت، "مرگ" را که مشبّه معقول است به مشبّه به محسوس "دزدی که... تشبیه می‌کند.

از همین قبیل است ابیات: ۵/۴۰۴/۱، ۴/۴۸۷/۱، ۴/۲۷/۲، ۲۳/۴۷/۲، ۲۸/۹۳/۲، ۲۴/۱۱/۲، ۵۸/۱۲۶/۲ و...

تشبیه محسوس به محسوس

سعدی در مقایسه با متنبی، این تشبیه را بیشتر به کار می‌برد. به طور کلی تشبیهات متنبی جز در موارد اندکی، بیشتر دارای مشبّه معقول هستند و کمتر به چشم می‌خورد که او امری محسوس را به چیزی (خواه معقول یا محسوس) تشبیه کند؛ دلیل این امر تا حدّ زیادی به محیطی که او در آن زندگی می‌کرده است، برمی‌گردد. با این توضیح که متنبی در روزگاری به سر می‌برده که حسادت، طمع، شماتت، سخن‌چینی، کینه و نفاق و... از امور رایج روزگار بوده است؛ طبیعی است که شاعری حکیم مانند متنبی نمی‌توانسته راحت از کنار این موارد بگذرد و آنها را نادیده بگیرد؛ به همین دلیل در لابلای مدایح، هجوها، مرثیه‌ها، فخرها و دیگر موضوعات شعری‌اش، آنها را به اموری محسوس تشبیه می‌کند که مخاطب به کُنه زشتی و ناپسند بودن این امور پی می‌برد. این

نکته درباره فضایل موجود در روزگار متنبی نیز صدق می‌کند فضایی همچون: شجاعت، نجابت، تواضع، آزادگی، سخاوت و... که متنبی برای پی بردن مخاطب به ارزششان، آن‌ها را به امور محسوسی تشبیه می‌کند. اینک شواهدی از تشبیه محسوس به محسوس در شعر دو شاعر:

رعیت چو بیخند و سلطان درخت درخت، ای پسر، باشد از بیخ سخت

(سعدی، ۱۳۸۴: ۴)

در بیت بالا، "رعیت به بیخ" و "سلطان به درخت" تشبیه شده است که در هر دو تشبیه، مشبه و مشبه‌به، محسوس است.

کرامت جوانمردی و نان‌دهی است مقالات بیهوده طبل تهی است

(همان: ۸۹)

در بیت بالا، "مقالات بیهوده" به "طبل تهی" تشبیه شده است که مشبه و مشبه‌به هر دو محسوس می‌باشد.

علاوه بر نمونه‌های یاد شده، شواهد دیگری نیز در ابیات حکمی بوستان به چشم می‌خورد از جمله ابیات: ۲۳۶، ۳۴۳، ۴۷۲، ۱۳۸۵، ۱۵۴۵، ۱۶۲۶، ۲۸۸۷، ۳۶۶۲، ۳۸۹۰، ۳۷۵۰ و... چند نمونه از متنبی:

إِنَّمَا أَنْفُسُ أَيْنِسُ سِبَاعُ يَتَفَارَسُنَ جَهْرَةً وَأَغْتِيَالَا

(متنبی، ۲۰۰۷: ۲/۱۴۹)

شاعر در این بیت، "مردم مانوس" را به "درندگان" تشبیه کرده است که مشبه و مشبه‌به، هر دو محسوس هستند.

وَمَنْ خَبَرَ الْعَوَانِي فَالْعَوَانِي ضِيَاءٌ فِي بَوَاطِنِهِ ظَلَامٌ

(همان: ۳۵۹)

در این بیت نیز مشبه حسی "زیبارویان" به مشبه‌به‌های حسی "نور" و "تاریکی" تشبیه شده است. از همین قبیل است ابیات: ۴/۴۵۱/۱، ۵/۲۷۷/۲، ۱۳/۴۰۵/۲ و ۲۰/۵۰۵/۲.

تشبیه معقول به معقول

تشبیهی است که هر دو طرف تشبیه، امری عقلی و ذهنی باشد. بعضی محققان علم بیان معتقدند:

«این نوع تشبیه، قاعداً نباید وجود داشته باشد؛ زیرا از مشبّه به عقلی، وجه شبه روشن و صریحی اخذ نمی‌شود تا حال مشبّه را به کمک آن دریابیم. پس در اینگونه تشبیه باید وجه شبه ذکر شود و اگر احیاناً وجه شبه را ذکر نکنند، مشبّه به عقلی، باید در صفتی، بسیار معروف باشد.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۸)

در این تشبیه، کفه ترازو به سمت متنبی سنگینی می‌کند و سعدی فقط در ۲ مورد (۲ درصد) این تشبیه را به کار می‌گیرد؛ آن هم به صورت دو تشبیه بلیغ اضافی که در ذیل آن را ذکر می‌کنیم:

بَهْشَتِ تَنِّ آسَانِي أَن گَه خوري كه بر دوزخ نِستِي بگذري
(سعدی، ۱۳۸۴: ۱۰۴)

در این بیت، "تن آسانی به بهشت" و "نیستی به دوزخ" تشبیه شده است که مشبّه و مشبّه به در هر دو تشبیه، عقلی و غیر محسوس می‌باشد.

چند نمونه از متنبی:

كَثِيرٌ حَيَاةَ الْمَرْءِ مِثْلُ قَلِيلِهَا يَزُولُ وَبَاقِي عَيْشِهِ مِثْلُ ذَاهِبِ
(متنبی، ۲۰۰۷: ۱۷۶/۱)

شاعر در این بیت، "عمر زیاد" را به "عمر اندک" تشبیه می‌کند که طرفین، اموری معقول و غیر محسوس می‌باشند.

كُلُّ عَيْشٍ مَالٍ مُطْبِئُهُ جِمَامٌ كُلُّ شَمْسٍ مَالٍ تَكْئُهَا ظَلَامٌ
(همان: ۲۷۸/۲)

در بیت بالا نیز، "زندگی ناپاک" به عنوان مشبّه و "مرگ" به عنوان مشبّه به، معقول می‌باشند.

از همین قبیل است ابیات: ۱۵/۲۱۱/۱، ۱۷/۲۱۱/۱، ۳۰/۲۵۷/۱، ۵/۲۶۲/۱، ۱۰/۴۰۵/۱، ۳۲/۴۲۳/۲

...

تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن طرفین

سعدی، در تقسیم‌بندی تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن طرفین، تشبیه "مفرد به مفرد" را بیشتر به کار گرفته است؛ با این توضیح که در ابیات حکمی بوستان، ۶۴ مورد (۶۶ درصد) تشبیه "مفرد به مفرد" و بعد از آن، ۱۶ مورد (۱۷ درصد) تشبیه "مرکب به مرکب"، ۷ مورد (۷ درصد)

تشبیه "مقید به مفرد"، ۶ مورد (۶ درصد) تشبیه "مقید به مقید" و ۴ مورد (۴ درصد) تشبیه "مفرد به مقید" به کار رفته است. برای تشبیهات "مفرد به مرکب"، "مقید به مرکب"، "مرکب به مفرد" و "مرکب به مقید" نمونه‌ای یافت نشد. بر خلاف سعدی، تشبیه "مقید به مقید" در سروده‌های حکمی متنبی بیشترین کاربرد را دارد. پس از بررسی تشبیه به این اعتبار در سروده‌های حکمی متنبی، معلوم گشت که ۱۵ مورد (۳۵ درصد) تشبیه "مقید به مقید"، ۱۳ مورد (۳۰ درصد) تشبیه "مرکب به مرکب"، ۷ مورد (۱۶ درصد) تشبیه "مفرد به مفرد" و تشبیهات "مفرد به مقید" و "مقید به مفرد" هر کدام ۴ مورد (هر کدام ۹/۵ درصد)، به کار رفته است. متنبی نیز همچون سعدی در بیان مضامین حکمی، تشبیهات "مفرد به مرکب"، "مقید به مرکب"، "مرکب به مفرد" و "مرکب به مقید" را به کار نگرفته است.

تشبیه مفرد به مفرد

در تقسیم‌بندی تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن طرفین، این تشبیه، بیشترین کاربرد را در ابیات حکمی بوستان دارد. به این علت که سعدی، تشبیه بلیغ اضافی را زیاد به کار گرفته است، به طوری که می‌توان گفت بیشتر تشبیهات مفرد به مفردی که سعدی به کار برده است، تشبیه بلیغ اضافی هستند اما متنبی در مقایسه با سعدی، چندان از این تشبیه استقبال نمی‌کند. تمایل متنبی بیشتر به این است که طرفین تشبیه خود را به صورت مقید بیاورد تا مفرد. با وجود این، در مواردی او نیز برای بیان مضامین حکمی‌اش، از این تشبیه استفاده می‌کند که در ذیل، چند نمونه را بررسی می‌کنیم. ابتدا چند نمونه از این نوع تشبیه در ابیات حکمی بوستان:

رعیت درخت است، اگر پروری به کام دل دوستان بر خوری

(سعدی، ۱۳۸۴: ۵۲)

در این بیت، "رعیت" به "درخت" تشبیه شده است که طرفین مفرد می‌باشند.

میازار عامی به یک خردله که سلطان شبان است و عامی گله

(همان: ۵۹)

در بیت مذکور، "سلطان به شبان" و "عامی به گله" تشبیه شده است که در هر دو تشبیه، طرفین

مفرد هستند.

در ابیات دیگری نیز تشبیه مفرد به مفرد دیده می‌شود که ذکر همه آن‌ها، مجال بیشتری می‌طلبد. برخی از این ابیات عبارتند از: ۲۲۳، ۳۴۳، ۹۹۵، ۲۲۵۶، ۲۲۸۹، ۲۳۱۶، ۲۳۶۵، ۲۶۲۰، ۲۷۰۸، ۲۸۴۲ و...

اینک چند نمونه از این تشبیه در سروده‌های حکمی متنبی:

جَرَبْتُ مِنْ نَارِ الْهُوَى مَا تُنْطَفِي نَارُ الْغَضَى وَ تَكِيلُ عَمَّا تُحْرِقُ

(متنبی، ۲۰۰۷: ۲۷/۲)

در این بیت، "هوی و هوس" به "آتش" تشبیه شده است که طرفین مفرد هستند.

و هِيَ مَعْشُوقَةٌ عَلَى الْغَدْرِ لَأ تَحْ فَظُّ عَهْدًا وَ لَأ تُتَمِّمَ وَصَلًا

(همان: ۱۳۹)

در بیت بالا، "دنیا" به "معشوقه" تشبیه شده است که هر دو طرف تشبیه مفرد هستند.

از همین قبیل است ابیات: ۳۶/۲۴۸/۱، ۵/۲۶۲/۱، ۵/۴۰۴/۱ و ۵۸/۱۲۶/۲.

تشبیه مرکب به مرکب

تشبیهی است که طرفین در آن مرکب باشند. به عبارت دیگر، تشبیه مرکب به مرکب تشبیهی است که: «هر یک از دو طرف تشبیه از چندین چیز به هم پیوسته درست شده باشد به گونه‌ای که گویی آن چند چیز یک چیز شده است.» (طیبیان، ۱۳۸۸: ۳۲۹)

این تشبیه از فاخرترین تشبیهات است که سعدی و متنبی در حد متوسط آن را به کار گرفته‌اند. نکته‌ای که ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد این است که جز در موارد اندکی، وجه شبه بیشتر تشبیهات مرکب به مرکب سعدی و متنبی (بویژه متنبی)، اموری عقلی هستند. این امر باعث شده است که مخاطب در نگاه اول متوجه وجود این تشبیهات در شعرشان نگردد. به عبارتی، این امر باعث شده است که تشخیص این تشبیهات در ابیات حکمی بوستان و سروده‌های حکمی متنبی، نیازمند تأمل و دقت بیشتری باشد. اینک نمونه‌هایی از سعدی و متنبی را ذکر می‌کنیم تا زیبایی‌های این تشبیه، بیشتر آشکار گردد.

امین و بداندیش طشتند و مور نشاید در او رخنه کردن به زور

(سعدی، ۱۳۸۴: ۴۷)

در این بیت، هیأت مرکب "امین و بداندیش" به هیأت مرکب "طشت و مور" تشبیه شده است. وجه شبه در این تشبیه، "عدم نفوذ چیزی در چیزی دیگر" است؛ همان‌طور که مورچه نمی‌تواند در طشت نفوذ کند، شخص بداندیش نیز نمی‌تواند در انسان امین نفوذ کند.

فروتن بود هوشمند گزین نهد شاخ پرمیوه سر بر زمین

(همان: ۱۳۴)

در این بیت، شاعر هیأت مرکب "حالت افتادگی و فروتنی شخص هوشمند گزین (بر اثر پرباری)" را به هیأت مرکب "سر بر زمین نهادن شاخ پرمیوه" تشبیه کرده است. وجه شبه در این تشبیه، "افتادگی و خمیدگی بر اثر پرباری" است.

همچنین در ابیات حکمی دیگری از بوستان نیز تشبیه مرکب به مرکب دیده می‌شود از جمله: ۷۱۴، ۷۳۳، ۱۰۰۴، ۱۰۵۲، ۱۳۳۹، ۱۶۲۸، ۲۲۴۳، ۳۶۱۶، ۳۶۷۷ و...

چند نمونه از متنّبی:

كُلُّ ذَمْرٍ يَزِيدُ فِي الْمَوْتِ حُسْنًا كَبِدُورٍ تَمَامُهَا فِي الْمُحَاقِ

(متنّبی، ۲۰۰۷: ۲/۴۷)

در این بیت، هیأت مرکب "زیاد شدن شرف و نیکویی انسان با مرگ" به هیأت مرکب "کامل شدن ماه، پس از به محاق رفتن آن" تشبیه شده است. وجه شبه این تشبیه، "کامل شدن پس از تمام شدن" است.

وَلَا تَشْكُ إِلَى خَلْقٍ فَتُشْمِتُهُ شَكْوَى الْجَرِيحِ إِلَى الْغُرْبَانِ وَالرَّحِمِ

(همان: ۴۲۳)

در این بیت، هیأت مرکب "شکایت کردن شخص ضعیف به مردم" به هیأت مرکب "شکایت بردن پرنده مجروح به بازان شکاری" تشبیه شده است. وجه شبه این تشبیه نیز "عدم سودمندی شکایت کردن ضعیف به قوی" است.

از همین قبیل است ابیات: ۲/۱۱۱، ۲/۲۱۷، ۲/۳۰، ۲/۲۳۷، ۲/۴۴، ۲/۲۳۹، ۲/۳۷۴ و ۶/...

تشبیه مقید به مقید

در تقسیم‌بندی تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین، این تشبیه در ابیات حکمی

بوستان، بیشترین کاربرد را دارد. همان‌طور که گفته شد، متنبی در مقایسه با سعدی، گرایشش بیشتر به سمت مشبّه مقید بوده است؛ برعکس سعدی که بیشتر تشبیهاتش، دارای مشبّه‌های مفرد هستند. سعدی در ۶ مورد این تشبیه را به کار برده است که در زیر، این موارد را بررسی می‌کنیم:

خرابی کند مرد شمشیرزن نه چندان که دود دل طفل و زن
(سعدی، ۱۳۸۴: ۴۳)

”دود دل طفل و زن“ در خرابی کردن به ”مرد شمشیرزن“ تشبیه شده که هر دو طرف تشبیه، مقید هستند.

به معنی توان کرد دعوی دُرُست دَم بی‌قدم تکیه‌گاهی است سست
(همان)

در بیت مذکور، ”دَم بی‌قدم“ به ”تکیه‌گاهی سست“ تشبیه شده است که هر دو طرف تشبیه، مقید می‌باشند.

سه نمونه دیگر، در ابیات: ۲۵۴، ۴۶۰، ۱۳۸۳ و ۱۵۴۵.

اینک چند نمونه از این تشبیه را در سروده‌های حکمی متنبی بررسی می‌کنیم؛ نمونه‌هایی که هم به لحاظ محتوا و هم به لحاظ تصویر، دلنشین و زیبا هستند:

وَ غَايَةَ الْمَفْرَطِ فِي سَلْمِهِ كَغَايَةِ الْمَفْرَطِ فِي حَرْبِهِ
(متنبی، ۲۰۰۷: ۲۱۱/۱)

شاعر در این بیت، مشبّه مقید ”سرانجام افراط‌کننده در صلح“ را به مشبّه مقید ”سرانجام افراط‌کننده در جنگ“ تشبیه می‌کند.

وَ غَيْظٌ عَلَى الْأَيَّامِ كَالنَّارِ فِي الْحَشَا وَ لَكِنَّهُ غَيْظُ الْأَسِيرِ عَلَى الْقَدَا
(همان: ۳۴۸)

در این بیت، ”خشم از زمانه“ به ”آتش در دل و جان“ تشبیه شده است که طرفین تشبیه مقید هستند.

علاوه بر شواهد بالا، در سروده‌های حکمی متنبی موارد دیگری نیز از تشبیه مقید به مقید به چشم می‌خورد از جمله: ۱۱/۱۷۶/۱، ۱۵/۲۱۱/۱، ۵/۲۶۲/۱، ۴/۴۵۱/۱، ۳/۳۷۳/۲، ۱۳/۴۰۵/۲ و ...

تشبیه مطلق

در کتاب "مَعْجَمُ الْمُصْطَلِحَاتِ الْبَلَاغِيَّةِ وَ تَطَوُّرُهَا"، ذیل مدخل تشبیه مطلق چنین آمده است: «تشبیه مطلق، تشبیه شیئی به شیء دیگر است به واسطه ادات تشبیه و بدون شرط یا عکس یا تفضیل یا آنچه که با آن آمیخته است.» (مطلوب: "التَّشْبِيهِ الْمُطْلَقُ") به بیان دیگر، آن است که چیزی را به چیزی بدون هیچ قید و شرطی تشبیه کنند؛ خواه با ادات خواه بی ادات، خواه به صورت مجمل یا به صورت مفصل.

سعدی در ۷۹ مورد (۸۱ درصد) و متنبی در ۲۰ مورد (۴۷ درصد)، این تشبیه را به کار برده‌اند. نمونه‌هایی از تشبیه مطلق در شعر حکمی سعدی:

ارادتِ نداداری سعادتِ مجبوی به چوگانِ خدمت توان بُرد گوی

(سعدی، ۱۳۸۴: ۱۲۸)

در این بیت، "خدمت" به "چوگان" تشبیه شده است. شاعر در ساخت تشبیه فوق از هیچ قید و شرطی استفاده نکرده است.

مروّتِ زمین است و سرمایه زرع بده کاصلِ خالی نماید ز فرع

(همان: ۱۵۱)

در این مثال نیز "مروّت" بدون هیچ قید و شرطی به "زمین" و "سرمایه" به "زرع" تشبیه شده است.

همچنین است در ابیات: ۲۳۶، ۳۴۳، ۱۱۷۹، ۲۳۶۵، ۲۵۶۵، ۲۶۲۰، ۲۷۲۵ و ۲۷۲۶، ۳۸۰۸، ۳۸۳۶، ۳۸۹۱ و...

شواهدی از متنبی:

ذَرِ النَّفْسِ تَأْخُذُ وَسُعَهَا قَبْلَ بَيْنِهَا فَمُفْتَرَقُ جَارَانِ دَارُهُمَا الْعُمُرُ

(متنبی، ۲۰۰۷: ۴۰۴/۱)

شاعر در بیت بالا، بدون هیچ قید و شرطی به صورت یک ترکیب اضافی، "عمر" را به "خانه" تشبیه کرده است.

مُحِبُّ النَّدَى الصَّابِي إِلَى بَدَلِ مَالِهِ صُبُوءًا كَمَا يَصْبُؤُ الْمُحِبُّ الْمُسَيِّمُ

(همان: ۳۶/۲)

در بیت بالا، "اشتیاق شخص بخشنده به بذل مالش" بدون قید و شرط به "اشتیاق عاشق به دیدن معشوق" تشبیه شده است.

نمونه‌های دیگر در ابیات: ۳۶/۲۴۸/۱، ۵/۲۶۲/۱، ۲۴/۱۱۱/۲، ۵۸/۱۲۶/۲، ۳۱/۱۳۹/۲، ۳۰/۲۱۷/۲، ۴۴/۲۳۷/۲ و ...

تشبیه مضمّر (ضمنی)

تشبیه مضمّر، به معنی تشبیه پنهان است. در این نوع تشبیه، ظاهراً با ساختار تشبیهی مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده، تشبیه است. سعدی در ۹ مورد و متنّبی در ۱۶ مورد، مضامین حکمی خودشان را با تشبیه مضمّر بیان کرده‌اند. باید اعتراف کرد که تشبیهات ضمنی متنّبی به لحاظ زیبایی و ارزش هنری در مقایسه با تشبیهات ضمنی سعدی، در جایگاه بالاتری قرار دارد؛ هرچند هنر سعدی نیز در ساخت این تشبیه ستودنی است. تشبیهات مضمّری که متنّبی برای بیان مضامین حکمی ساخته است، از زیبایی و ارزش هنری ویژه‌ای برخوردار هستند. اوج هنر متنّبی در همین تشبیهات ضمنی است که معمولاً مشبه آن، صورت عقلی مرکّب و مشبه به آن، صورت حسّی مرکّب است. متنّبی به واسطه این صورت حسّی، صورت عقلی را برای مخاطب توضیح می‌دهد. به عبارتی، مشبه به مخاطب را به فهم مشبه هدایت می‌کند. نکته قابل ذکر این است که به وسیله این تشبیهات متنّبی، تا حدّی می‌توان با محیطی که او در آن زندگی می‌کرده است آشنا شد. به بیان دیگر، تشبیهات مضمّر متنّبی، به نوعی فضای حاکم بر روزگار او را بازگو می‌کنند. ذکر چند نمونه از تشبیهات مضمّر این دو شاعر، زیبایی کارشان (بویژه متنّبی) را آشکار خواهد نمود.

چند نمونه از سعدی:

مکن صبر بر عامل ظلم دوست چه از فربهی بایدش کند پوست

(سعدی، ۱۳۸۴: ۴۳)

در این بیت، شاعر به طور ضمنی و غیر مستقیم، "عامل ظلم دوست" را به "گوسفندی فربه" تشبیه می‌کند.

بمرد از تهیدستی آزادمرد ز پهلوی مسکین شکم پر نکرد

(همان: ۵۱)

در بیت مزبور، تشبیه ضمنی بعید به کار رفته است. "مرد ظالم" مانند "حیوان درنده‌ای" است که گویی از گوشت پهلوی انسان‌های ضعیف یا مرده آدمیان، شکم پر می‌کند.

از همین قبیل است ابیات: ۲۴۴، ۲۶۲۰، ۲۰۰۰، ۲۷۲۱، ۲۸۴۵ و...

چند نمونه از متنبی:

مَنْ يَهْنُ يَسْهَلُ الْهَوَانَ عَلَيْهِ مَا لِيْجْرُحَ بِمَيِّتٍ اِيْلَامُ

(متنبی، ۲۰۰۷: ۳۷۴/۲)

در این بیت، "بی تأثیر بودن خواری و تحقیر در حال شخص ضعیف‌النفس" به طور غیرمستقیم و پنهانی، به "بی تأثیر بودن جراحی در شخص مرده" تشبیه شده است.

لَا يُعْجِبُنَّ مَضِيْمًا حُسْنُ بَزْتِهِ وَهَلْ يَرُوْقُ دَقِيْنًا جَوْدَةُ الْكُفْنِ

(همان: ۴۵۵)

در بیت بالا، "آراستگی ظاهر فرد ذلیل" در بی ثمر و بی ارزش بودن، به طور مضمربه "کفن برای مرده" تشبیه شده است.

از همین قبیل است ابیات: ۱۵/۲۱۱/۱، ۱۰/۴۰۵/۱، ۴/۴۵۱/۱، ۳۰/۲۱۷/۲، ۴۴/۲۳۷/۲، ۹/۲۷۸/۲، ۵/۳۹۵/۲ و...

تشبیه به اعتبار افراد و ترکیب و تعدد وجه‌شبهه

در تقسیم‌بندی تشبیه به این اعتبار، تفاوت‌هایی میان سعدی و متنبی وجود دارد. در تشبیهات هر دو شاعر، غلبه با "وجه‌شبهه مفرد" است اما در بسامد و آمار، تفاوت‌های چشم‌گیری با یکدیگر دارند. از مجموع تشبیهات موجود در ابیات حکمی سعدی، ۸۱ مورد (۸۴ درصد) آن وجه‌شبهه مفرد و ۱۶ مورد (۱۶ درصد) وجه‌شبهه مرکب دارند. متنبی نیز همان‌طور که گفته شد، وجه‌شبهه مفرد را بیشتر به کار می‌گیرد، اما او در مقایسه با سعدی، تا حدی اعتدال را رعایت کرده است. از مجموع تشبیهات در سروده‌های حکمی متنبی، ۲۸ مورد (۶۵ درصد) دارای وجه‌شبهه مفرد، ۱۴ مورد (۳۳ درصد) دارای وجه‌شبهه مرکب و ۱ مورد (۲ درصد) دارای وجه‌شبهه متعدّد است.

وجه شبه مفرد

همان‌طور که گفته شد، بیشتر تشبیهات سعدی دارای وجه شبه مفرد هستند. در زیر، چند نمونه از این تشبیهات را بررسی می‌کنیم:

بَرِ مَرْدٍ هَشِيَارٍ دُنْيَا خَسِّ اسْت كِه هِر مَدَّتِي جَايِ دِيْغَرِ كَسِّ اسْت
(سعدی، ۱۳۸۴: ۶۶)

در بیت بالا، وجه شبه "بی ارزشی" است که مفرد می‌باشد.

دو چشم و شکم پر نگردد به هیچ تهي بهتر این روده پیچ پیچ
چو دوزخ که سیرش کنند از وقید دگر بانگ دارد که هل من مزید؟
(همان: ۱۴۶)

"سیری ناپذیری" به عنوان وجه شبه در این بیت مفرد است.

نمونه‌های دیگر در ابیات: ۲۴۴، ۲۳۶، ۲۴۴، ۲۵۴، ۲۴۴، ۲۳۶، ۹۹۶، ۱۰۸۴، ۱۰۸۴، ۱۳۸۳، ۱۵۴۵، ۲۶۲۰، ۲۸۴۲، ۲۸۸۷، ۳۸۰۸ و ...

چند نمونه از متنبی:

وَوَضِعَ التَّدَى فِي مَوْضِعِ السَّيْفِ بِأَعْلَى مُضِرٌّ كَوْضِعِ السَّيْفِ فِي مَوْضِعِ التَّدَى
(متنبی، ۲۰۰۷: ۲۵۷/۱)

وجه شبه در این بیت، "مضر بودن" است که مفرد می‌باشد.

وَالْغِنَى فِي يَدِ اللَّئِيمِ قَبِيحٌ قَدَرُ قُبْحِ الْكَرِيمِ فِي الْإِمْلَاقِ
(همان: ۴۹/۲)

در تشبیه بالا، "زشت بودن" به عنوان وجه شبه، مفرد است.

نمونه‌های دیگر: ۱۵/۲۱۱/۱، ۱۷/۲۱۱/۱، ۱۷/۲۴۸/۱، ۵/۲۶۲/۳۶، ۶/۳۴۸/۱، ۵/۴۰۴/۱، ۴/۲۷/۲، ۱۷/۹۲/۲ و ...

وجه شبه مرکب

وجه شبه مرکب، هنری‌ترین نوع وجه شبه است که از مشبه به مرکب اخذ می‌شود. درست است این وجه شبه نسبت به وجه شبه مفرد، به لحاظ آماری، در ابیات حکمی بوستان و سروده‌های

حکمی متنّبی در رده پایین‌تری قرار دارد اما الحق زیبایی‌هایی که سعدی و متنّبی به وسیله وجه‌شبه مرکّب خلق کرده‌اند، به مراتب بهتر و برتر از تشبیهات آن‌ها با وجه‌شبه مفرد است. نمونه‌هایی از این زیبایی‌ها را در زیر ذکر می‌کنیم.

درشتی و نرمی به هم در به است چو رگزن که جراح و مرهم‌نه است
(سعدی، ۱۳۸۴: ۴۵)

سعدی در بیت بالا، وجه‌شبه، "قرار گرفتن خوب و بد در کنار هم" است که مرکّب می‌باشد.

یکی را که پندار در سر بود مپندار هرگز که حق بشنود
ز علمش ملال آید از وعظ ننگ شقایق به باران نروید ز سنگ
(همان: ۱۳۴)

در این بیت نیز وجه‌شبه "تلاش برای کاری و نتیجه نگرفتن"، مرکّب است.

همچنین است ابیات: ۷۱۴، ۹۸۲، ۱۰۴۵، ۱۱۴۲ و ۱۱۴۳، ۱۶۲۸، ۲۲۴۳، ۳۶۷۷ و...

شواهدی از متنّبی:

كُنْ أَهْبَا السَّجْنِ كَيْفَ شِئْتَ فَقَدْ وَطَّئْتُ لِلْمَوْتِ نَفْسَ مُعْتَرِفٍ
لَوْ كَانَ سُكْنَىٰ فِيكَ مَنَّقَصَةً لَمْ يَكُنِ الدُّرُّ سَاكِنَ الصَّدْفِ
(متنّبی، ۲۰۰۷: ۴۸۷/۱)

شاعر در این بیت، "خودش درون زندان" را به "دُر درون صدف" تشبیه می‌کند. وجه‌شبه این تشبیه، "قرار داشتن چیزی با ارزش در داخل چیزی بی‌ارزش" است که مرکّب می‌باشد.

مَا كَلُّ مَا يَتَمَيُّ الْمَرْءُ يُدْرِكُهُ تَجْرِي الرِّيَّاحُ بِمَا لَأ تَشْتَهِي السُّفْنُ
(همان: ۴۶۹/۲)

وجه‌شبه در این تشبیه، "خواستن چیزی و نرسیدن به آن (برآورده نشدن آن)" است که مرکّب می‌باشد.

از همین قبیل است ابیات: ۲۴/۱۱۱/۲، ۳۰/۲۴۷/۲، ۴۴/۲۳۷/۲، ۹/۲۳۹/۲، ۹/۲۷۸/۲، ۱۳/۳۶۷/۲، ۶/۳۷۴/۲ و...

تشبیه تمثیل

درباره تشبیه تمثیل، نظریات متعددی از حیث وجه‌شبه، حسّی و عقلی بودن و افراد و ترکیب

طرفین، مطرح شده است. عده‌ای از علمای بلاغت که با توجه به وجه‌شبهه به تعریف تشبیه تمثیل پرداخته‌اند، معتقدند که تشبیه تمثیل، تشبیهی است که: «وجه‌شبهه در آن با نوعی تأویل و توضیح به دست آید.» (جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۰) یا: «وجه‌شبهه آن از چند چیز برداشت شده باشد.» (طیبیان، ۱۳۸۸: ۳۳۲) کزازی، ضمن اینکه تشبیه تمثیل را پرمایه‌ترین و هنری‌ترین گونه تشبیه می‌نامد، معتقد است: «مانروی در تشبیه تمثیل، ویژگی‌ای است برآمده از چند چیز. چندین پیوند شاعرانه در میانه دو سوی تشبیه، آن‌گاه که با هم می‌پیوندند و در هم می‌آمیزند، مانروی می‌نامند و پندارین را می‌سازند که تشبیه تمثیل بر بنیاد آن ساخته می‌شود.» (۱۳۷۲: ۵۷) گروهی دیگر، از حیث افراد و ترکیب طرفین به این تشبیه نگریسته و معتقدند: «در تشبیه تمثیل، مشبّه‌به مرکب باید جنبه مثل یا حکایت داشته باشد. در این نوع تشبیه، مشبّه، امری معقول و مرکب است که برای تقریر و اثبات آن، مشبّه‌بھی مرکب و محسوس ذکر می‌شود.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۴) نظریه دیگری که در این مورد مطرح است این است که تشبیه تمثیل: «همان تشبیه مفرد به مرکب است که شهرت و شیوع پیدا کرده باشد و گاهی مثل را در تشبیه مرکب به مرکب نیز می‌آورند.» (همایی، ۱۳۷۰: ۱۴۳) با توجه به نظریات مختلف درباره تشبیه تمثیل، به طور خلاصه می‌توان گفت: تشبیه تمثیل، آن است که مشبّه آن امری معقول و مشبّه‌به آن محسوس و مثل باشد و یا جنبه مثلی داشته باشد.

سعدی در ۱۵ مورد و متنبی در ۱۳ مورد، برای بیان مضامین حکمی خود، تشبیه تمثیل را به کار گرفته‌اند. تشبیه تمثیل، بهترین اسلوب برای بیان مضامین حکمی است؛ زیرا مضامین حکمی، ساده، بسیط یا واحد نیستند که بتوان آن‌ها را در قالب تعابیر و تصاویر ساده ریخت و بیان کرد. اینک شواهدی از ابیات حکمی بوستان:

اگر بد کنی چشم نیکی مدار که هرگز نیارد گز انگور بار

(سعدی، ۱۳۸۴: ۶۳)

در این بیت، مشبّه‌به "میوه انگور ندادن درخت گز"، امری محسوس است که به عنوان استدلال برای مشبّه معقول "توقع نیکی نداشتن در صورت بدی کردن" ذکر شده و وجه‌شبهه آن "تناسب بین اعمال و نتیجه آن" است که از امور متعدد منتزع شده است.

به خردان مفرمای کار دُرُشت که سندان نشاید شکستن به مشت

(همان: ۷۵)

در بیت مذکور، مشبه عقلی "فرمودن کار دُرُشت به خردان" به "شکستن سندان به مشت" که مشبه به محسوس است، تشبیه شده است و وجه شبه آن "محال بودن امری بزرگ و مهم به خاطر توقع وقوع آن، از چیزی کوچک و حقیر" است. نمونه‌هایی دیگر از تشبیه تمثیل در ابیات حکمی بوستان: ۲۹۳، ۷۱۴، ۹۸۲، ۱۰۰۴، ۱۰۴۵، ۱۶۲۸، ۱۳۳۹ و ...

نمونه‌هایی از تشبیه تمثیل در سروده‌های حکمی متنبی:

وَإِذَا مَا يُلْغُ الْإِنْسَانُ طَاقَتَهُ مَا كُلُّ مَاشِيَةٍ بِالرَّحْلِ شِمْلَالُ

(متنبی، ۲۰۰۷: ۲/۲۳۷)

در بیت بالا، مشبه عقلی "دست یافتن انسان به سروری متناسب با طاقتش (نه ظاهر)" به "یکسان نبودن هر شتر پالان‌دار با شتر قوی و تندرو" که مشبه به حسّی است، تشبیه شده است. وجه شبه آن نیز این است که "ظاهر امور را نباید مبنای قضاوت قرار داد".

تُرِيدِينَ لُقْيَانَ الْمَعَالِي رَخِيصَةً وَ لَا بُدَّ دُونَ الشَّهْدِ مِنْ إِبْرِ النَّحْلِ

(همان: ۲۳۹)

در بیت مذکور، مشبه عقلی "آسان نبودن نیل به بزرگی و سیادت" به "تحمل نیش زنبور برای به دست آوردن عسل" که مشبه به محسوس است، تشبیه شده است و وجه شبه آن "رسیدن به آسانی و رفاه، بعد از تحمل سختی" است. نمونه‌های دیگر این تشبیه در ابیات: ۶/۳۴۸/۱، ۴/۳/۴۸۷/۱، ۲۴/۱۱۱/۲، ۳۰/۲۱۷/۲، ۹/۲۷۸/۲، ۳۳/۴۲۳/۲ و ...

تشبیه به اعتبار حذف ادات و وجه شبه

سعدی در تقسیم‌بندی تشبیه به این اعتبار، ۸۴ مورد (۸۷ درصد) تشبیه "بلیغ" به کار برده است؛ که از این تعداد، ۵۳ مورد آن تشبیه "بلیغ اضافی" و ۳۱ مورد آن تشبیه "بلیغ غیر اضافی" است. متنبی در این تقسیم‌بندی تفاوت‌هایی با سعدی دارد؛ اول اینکه متنبی نسبت به سعدی، تشبیه

بلیغ را کمتر به کار گرفته است، (۲۹ مورد (۶۷ درصد) تشبیه بلیغ را به کار گرفته است)؛ دوّم اینکه متنبی، تشبیه "بلیغ غیراضافی" را بیشتر از تشبیه "بلیغ اضافی" به کار برده است. او ۲۵ مورد تشبیه بلیغ غیراضافی و ۴ مورد تشبیه بلیغ اضافی را به کار می‌برد.

تشبیه بلیغ اضافی

نمونه‌هایی از این تشبیه در ابیات حکمی بوستان:

بلای خمارست در عیش مُل سلحدار خارست با شاه گل

(سعدی، ۱۳۸۴: ۱۰۰)

در این بیت، ۳ تشبیه بلیغ اضافی به کار رفته است: "بلای خمار"، "سلحدار خار" و "شاه گل". همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سعدی به زیبایی، مضمون "به همراه هر خوشی، رنج و زحمتی نیز هست" را با سه تشبیه بلیغ اضافی بیان می‌کند.

چو سندان کسی سخت‌رویی نکرد که خایسک تأدیب بر سر نخورد

(همان: ۱۲۲)

شاعر در این بیت، "تأدیب" را بدون ذکر ادات و وجه‌شبهه، به "خایسک" تشبیه می‌کند و ترکیب زیبای "خایسک تأدیب" را می‌سازد.

از همین قبیل است ابیات: ۵۶۳، ۹۹۶، ۱۰۸۴، ۲۳۱۷، ۲۴۶۱، ۲۵۴۹، ۲۷۱۴، ۲۷۴۹، ۲۹۰۸، ۳۱۳۱، ۳۶۵۵ و...

نمونه‌هایی از تشبیه بلیغ اضافی در سروده‌های حکمی متنبی:

وَ كُلُّ يَرِي طُرُقَ الشَّجَاعَةِ وَ التَّدْيِ وَ لَكِنَّ طَبْعَ النَّفْسِ لِلنَّفْسِ قَائِدُ

(متنبی، ۲۰۰۷: ۲۴۸/۱)

شاعر در این بیت، "شجاعت و سخاوت" را بدون ذکر ادات و وجه‌شبهه، به "راه" تشبیه می‌کند و ترکیب زیبای "راه شجاعت و سخاوت" را می‌سازد.

فَفِي فُؤَادِ الْمُحِبِّ نَارٌ جَوَى أَحْرُ نَارِ الْجَحِيمِ أُبْرَدَهَا

(همان: ۲۶۲)

در بیت بالا، ترکیب "آتش عاشق" به کار رفته که وجه‌شبهه و ادات آن محذوف است.

تشبیه بلیغ غیر اضافی

بیشتر تشبیهات متنبی از این نوع است. در تشبیه بلیغ غیر اضافی، اغراق به اوج می‌رسد زیرا در کلام، ادعای همسانی بودن قوی‌تر از ادعای شبیه بودن است. نمونه‌هایی از این تشبیه را در ابیات حکمی بوستان و سروده‌های حکمی متنبی بررسی می‌کنیم:

دل است، ای خردمند، زندان راز چو گفتم نیاید به زنجیر باز
(سعدی، ۱۳۸۴: ۴۸)

در این بیت، "دل" بدون ذکر ادات و وجه‌شبهه به "زندان راز" تشبیه شده است.

حذر کارِ مردانِ کاراگه هست یزک سدّ روین لشکرگه هست
(همان: ۷۶)

در این بیت، "یزک" به "سدّ روین لشکرگه" تشبیه شده و وجه‌شبهه و ادات آن، ذکر نشده است.

نمونه‌های دیگر: ۲۳۶، ۴۷۲، ۶۵۲، ۱۳۸۵، ۲۶۲۰، ۲۸۴۲، ۲۹۰۸ و...

نمونه‌هایی از تشبیه بلیغ غیراضافی در سروده‌های حکمی متنبی:

إِذَا مَا تَأَمَّلْتَ الزَّمَانَ وَصَرَفَهُ تَيَقَّنْتَ أَنَّ الْمَوْتَ ضَرَبٌ مِنَ الْقَتْلِ
(متنبی، ۲۰۰۷: ۹۳/۲)

در این بیت، "مرگ" بدون ذکر ادات و وجه‌شبهه به "ضربه‌ای از شمشیر" تشبیه شده است.

وَاحْتِمَالُ الْأَذَى وَرُؤْيَا جَانِبِ— هِ غِذَاءٌ تَضْوَى بِهِ الْأَجْسَامُ
(همان: ۳۷۳)

در این بیت نیز مصراع اول بدون ذکر ادات و وجه‌شبهه، به مصراع دوم تشبیه شده است.

از همین قبیل است ابیات: ۱۵/۲۱۱/۱، ۱۰/۴۰۵/۱، ۴/۴۵۱/۱، ۵۸/۱۲۶/۲، ۱۲/۳۵۹/۲، ۷/۴۵۳/۲، ۲۰/۵۰۵/۲ و...

نتیجه‌گیری

سعدی و متنبی در کاربرد تشبیه، اعتدال را رعایت کرده‌اند البته در برخی موارد، مضامین حکمی دست‌ان‌ها را برای استفاده از تشبیه بسته است؛ زیرا معمولاً اشعار حکمی به دلیل این که مشتمل بر مضامین عقلی، جدلی و برهانی‌اند، نسبت به سایر مضامین شعری از احساس،

عاطفه و رقت کمتری برخوردارند؛ از این رو، جمع میان امور عقلی و استدلالی با امور عاطفی و خیالی، کاری دشوار است و از عهده کمتر شاعری برمی‌آید؛ مگر شاعران بزرگی مانند سعدی و متنبی و اگر در مواردی هم می‌بینیم که به عنوان مثال، آمار استفاده آن‌ها از یک نوع تشبیه به زیر ۱۰ نمونه می‌رسد، دلیل آن همین امر است.

در تقسیم‌بندی تشبیه به اعتبار عقلی یا حسّی بودن طرفین، تشبیه "معقول به محسوس" در ابیات حکمی بوستان با ۷۶ درصد و در سروده‌های حکمی متنبی با ۵۱ درصد، بیشترین کاربرد را دارد. بعد از آن، در ابیات حکمی بوستان، تشبیه "محسوس به محسوس" با ۲۰ درصد و در سروده‌های حکمی متنبی، تشبیه "معقول به معقول" با ۳۳ درصد، بیشترین کاربرد را دارند. در تقسیم‌بندی تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن طرفین، در ابیات حکمی بوستان، تشبیه "مفرد به مفرد" با ۶۶ درصد و در سروده‌های حکمی متنبی، تشبیه "مقید به مقید" با ۳۵ درصد، بیشترین کاربرد را دارند. سعدی و متنبی تشبیه "مرکب به مرکب" را در حدّ متوسط به کار گرفته‌اند. آن‌ها در به کار بردن تشبیه "مطلق" با یکدیگر اختلاف زیادی دارند. سعدی، ۸۱ درصد و متنبی ۴۷ درصد تشبیهاتشان، تشبیه مطلق است. این فاصله زیاد آماری نشان‌دهنده این است که مضامین حکمی‌ای که سعدی به کمک تشبیه، آن‌ها را بیان می‌کند، نسبت به مضامین حکمی متنبی، شمول و گستره بیشتری دارد. به عبارت دیگر، از آنجا که متنبی در بیشتر موارد، طرفین تشبیهاتش را مقید به قیدی می‌کند، محدودتر از مضامین حکمی سعدی هستند. سعدی و متنبی، تشبیه "ضمنی" را در حدّ متوسط به کار گرفته‌اند اما در ذکر اختلاف آن‌ها در کاربرد این تشبیه، باید اعتراف کرد که تشبیهات ضمنی متنبی به لحاظ زیبایی و ارزش هنری در مقایسه با تشبیهات ضمنی سعدی، در جایگاه بالاتری قرار دارند؛ هرچند هنر سعدی نیز در ساخت این تشبیه ستودنی است. اوج هنر متنبی در همین تشبیهات ضمنی است که معمولاً مشبه آن، صورت عقلی مرکب و مشبه‌به آن، صورت حسّی مرکب است؛ متنبی به واسطه این صورت حسّی، صورت عقلی را برای مخاطب توضیح می‌دهد و مهم این که تشبیهات مضمّر متنبی به نوعی نشان‌دهنده فضای حاکم بر روزگار او نیز می‌باشد. در تقسیم‌بندی تشبیه به اعتبار افراد و ترکیب و تعدّد وجه‌شبه، در تشبیهات هر دو شاعر غلبه با "وجه‌شبه مفرد" است (سعدی ۸۴ درصد و متنبی ۶۵ درصد) اما باید اذعان کرد زیبایی‌هایی که سعدی و متنبی به وسیله "وجه‌شبه مرکب" خلق کرده‌اند، به مراتب بهتر و برتر از تشبیهات آنها با وجه‌شبه مفرد

است. "تشبیه تمثیل" الگو و قالب مناسبی برای بیان مضامین حکمی است. سعدی و متنبی به خوبی، مضامین حکمیشان را در قالب این تشبیه ریخته و تصاویر بسیار زیبایی خلق کرده‌اند. در تقسیم‌بندی تشبیه به اعتبار حذف ادات و وجه‌شبهه، سعدی ۸۷ درصد و متنبی ۶۷ درصد تشبیهاتشان "بلیغ" است. سعدی برای بیان مضامین حکمی‌اش بیشتر از تشبیه "بلیغ اضافی" و متنبی بیشتر از تشبیه "بلیغ غیر اضافی" استفاده می‌کند.

به طور کلی اگر بخواهیم ویژگی‌های مهم تشبیه در ابیات حکمی بوستان و سروده‌های حکمی متنبی را بیان کنیم، باید گفت: تشبیهات سعدی، در بیشتر موارد، مفرد، بلیغ، واضح و بدون تعقید است اما تشبیهات متنبی، در بیشتر موارد ضمنی، مقید یا مرکب، معقد و غیر صریح است. سعدی اگر فکاهه و هزلی به کار می‌برد، هدفش رفع خستگی مخاطب از خشکی مباحث حکمی است (بدون این که شخص خاصی را بخواهد به تمسخر بگیرد و یا از روی کینه و حقد باشد)، اما متنبی اگر فکاهه و هزلی را در تشبیهاتش بیان می‌کند، هدفش ذم دنیا و یا حسودان است. تشبیهات سعدی در عین سادگی، زیبا و شگفت‌انگیز و به نوعی می‌توان گفت تازه و بکر هستند؛ چرا که تشبیهات به اصطلاح مبتذل او نیز (در بیشتر موارد) به سبب کاربرد خاص و ایجاد رابطه با کلمات و تصاویر دیگر شعرش، قدرت بلاغی خود را حفظ کرده‌اند. متنبی نیز دارای تشبیهاتی بکر و تازه است؛ چرا که هنر او در این زمینه، این است که بسیار هوشمندانه، عناصر عقلی و عاطفی را با هم درآمیخته است؛ تا جایی که افق تصاویر را (به رغم صبغه عقلی و منطقی آنها) بسیار باز و فراخ و در عین حال مرکب و پیچیده می‌بینیم. تنها نقدی که بر تشبیهات سعدی و متنبی وارد می‌باشد، این است که عنصر رنگ، که نقش اساسی در بسط و نیز گسترش و تعمیق صورخیال دارد، در تشبیهاتشان هیچ نمود و تعینی ندارد. یافته‌های پژوهشی به شکل آماری و دقیق به وسیله جدول، در صفحه بعد نشان داده شده است که مخاطب در یک نگاه اجمالی می‌تواند نتایج این تطبیق و تحلیل را مشاهده نماید.

متنبی	سعدی	انواع تشبیه	
۲۲	۷۴	تشبیه معقول به محسوس	تشبیه به اعتبار عقلی و حسی بودن طرفین
۶	۱۹	تشبیه محسوس به محسوس	
۱۴	۲	تشبیه معقول به معقول	
۱	۲	تشبیه محسوس به معقول	
۷	۶۴	تشبیه مفرد به مفرد	تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن طرفین
۱۳	۱۶	تشبیه مرکب به مرکب	
۴	۷	تشبیه مقید به مفرد	
۱۵	۶	تشبیه مقید به مقید	
۴	۴	تشبیه مفرد به مقید	
۱	۳	تشبیه مفروق	تشبیه به اعتبار تعدد تشبیه
—	۱	تشبیه ملفوف	تشبیه به اعتبار تعدد یکی از طرفین تشبیه
۲	۱	تشبیه تسویه	
۲	۱	تشبیه جمع	تشبیه به اعتبار افراد و ترکیب و تعدد وجه شبه
۲۸	۸۱	وجه شبه مفرد	
۱۴	۱۶	وجه شبه مرکب	
۱	—	وجه شبه متعدّد	
۳۷	۸۹	مجمّل	تشبیه به اعتبار حذف و ذکر وجه شبه
۶	۸	مفصّل	

۱۰	۶۴	وجه شبه تخیلی	تشبیه به اعتبار وجه شبه از حیث کیفیت
۳۳	۳۳	وجه شبه تحقیقی	
۳۱	۸۹	تشبیه مؤکد (بالکنایه)	تشبیه به اعتبار ادات
۱۲	۸	تشبیه مرسل (صریح)	
۴	۵۳	تشبیه بلیغ اضافی	تشبیه به اعتبار حذف ادات و وجه شبه
۲۵	۳۱	تشبیه بلیغ غیراضافی	
۱	۱		تشبیه تفضیل
۲۰	۷۹		تشبیه مطلق
۱۶	۹		تشبیه مضمّر (ضمنی)
—	۴		تشبیه تأویلی
۱۳	۱۵		تشبیه تمثیل

بسامد تشبیه در ابیات حکمی بوستان و سروده‌های حکمی متنبی

منابع

- ۱- اسفندیارپور، هوشمند. (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی بلاغت در ادب عربی و فارسی». فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی. سال ۳، شماره ۱۰، صص ۴۵-۷۰.
- ۲- براهنی، رضا. (۱۳۸۰). طلا در مس. ۳ ج. تهران: زریاب.
- ۳- البرقوقی، عبدالرحمن. (۲۰۰۷). شرح دیوان المتنبی. الجزء آن. الطبعة الثانية. بیروت: دار الکتب العربی.
- ۴- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۱). سفر در مه. تهران: نگاه.
- ۵- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۷۰). اسرارالبلاغه. ترجمه جلیل تجلیل. تهران: دانشگاه تهران.
- ۶- خزائلی، محمد. (۱۳۶۲). شرح بوستان. چاپ چهارم. تهران: جاویدان.
- ۷- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۴). بوستان سعدی (سعدی‌نامه). تصحیح و توضیح غلامحسین

یوسفی. چاپ هشتم. تهران: خوارزمی.

۸- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). صورخیال در شعر فارسی. چاپ یازدهم. تهران: آگاه.

۹- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). بیان و معانی. چاپ هشتم. تهران: فردوس.

۱۰- طبیبیان، سید حمید. (۱۳۸۸). برابره‌های علوم بلاغت در فارسی و عربی (بر اساس تلخیص

المفتاح و مختصرالمعانی). چاپ اول. تهران: امیرکبیر.

۱۱- عسکری، صادق. (۱۳۸۷). الحکمۃ بین المتنّبی و سعدی (دراسه المقارنه). چاپ اول. سمنان:

دانشگاه سمنان.

۱۲- الفاخوری، حنا. (۱۹۸۶). الجامع فی تاریخ الادب العربی. بیروت: دار الجلیل.

۱۳- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۶). بلاغت تصویر. چاپ اول. تهران: سخن.

۱۴- فروخ، عمر. (۱۹۶۸). تاریخ الأدب العربی. الجزء الثانی. بیروت: دار العلم للملایین.

۱۵- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۲). بیان زیباشناسی سخن پارسی (۱). چاپ سوم. تهران: مرکز.

۱۶- محسنی، علی‌اکبر. (۱۳۷۹). «صور خیال در شعر متنّبی». پایان‌نامه دکتری دانشکده ادبیات

دانشگاه تربیت مدرس.

۱۷- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰). معانی و بیان. به کوشش ماهدخت همایی. چاپ اول. تهران:

هما.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی